

زبان و ادبیات عربی،

نثرن سہان غزلیات حافظ

تألیف

دکتر محمد رضا عزیزی

عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند



انتشارات زوار

سرشناسه	: عزیزى، محمدرضا، ۱۳۶۰ -
عنوان قراردادی	: دیوان. شرح
	: غزلیات. شرح.
عنوان و نام پدیدآور	: زبان و ادبیات عربی، متن پنهان غزلیات حافظ / محمدرضا عزیزى.
مشخصات نشر	: تهران: کتابفروشی و انتشارات زوار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۲ ص.
شابک	: 978 - 964 - 401 - 537 - 3
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۸۳.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: حافظ، شمس‌الدین محمد، - ۷۹۲ ق. - زبان
موضوع	: Hafiz, Shamsoddin Mohamad - - Language
موضوع	: Hafiz, Shamsoddin Mohammad, 14th century - - Criticism and interpretation
موضوع	: حافظ، شمس‌الدین محمد، ۷۹۲ ق. دیوان - - نقد و تفسیر
موضوع	: شعر فارسی - - تأثیر عربی
موضوع	: Persian poetry - - Arabic influences
موضوع	: زبان عربی - - تأثیر بر فارسی
موضوع	: Arabic language - - Influence on Persian
شناسه افزوده	: حافظ، شمس‌الدین محمد، - ۷۹۲ ق. دیوان. شرح
زده‌بندی کنکورد	: ۱۳۹۶ ز ۴۰۲ / PIR ۵۴۳۸
زده‌بندی دیوبی	: ۸۱ / ۳۲
شماره کتابشناسی	: ۴۶۴۰۳۹

انتشارات زوار

□ زبان و ادبیات عربی، متن پنهان حافظ □

□ تألیف / دکتر محمدرضا عزیزى □

□ عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند □

□ نوبت چاپ / اول - ۱۳۹۶ □

□ لیتوگرافی و آماده‌سازی چاپ / سنا □

□ نظارت بر چاپ و صحافی / فرناز کریمی □

□ شمارگان / ۳۳۰ نسخه □

□ چاپ / موژان □

□ شابک / ۳ - ۵۳۷ - ۴۰۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸ □

□ نشانی: تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - نبش شهید وحید نظری - پلاک ۲۷۸

تلفن: ۰۳۲۵۰۳۶۶۴۶ - ۰۳۲۳۳۴۸۳۶۶۴۸ - نامبر: ۰۳۲۳۳۴۸۳۲۲۴

قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان

فهرست

۹.....	مقدمه
۱۳.....	مطالعات حافظ در حوزه زبان و ادبیات عربی
۱۸.....	عربی‌دانی شاه شجاع
۲۲.....	عربی‌سرایی، سنتی ادبی در شعر حافظ
۲۶.....	مصراع نخست در آل حافظ
۳۲.....	سیمای دیگر عربی در دیوان حافظ
۳۷.....	صبغة اقلیمی شبه جزیره ایران، عباسی حافظ
۵۰.....	مؤلفه‌های فرهنگ و اقلیم عربی در یک ملمع حافظ
۵۵.....	واکاوی برخی از تضمین‌ها و تصویرهای حافظ در فرهنگ و ادبیات عربی
۸۱.....	چند ضرب‌المثل مشترک در شعر حافظ و زبان عربی
۹۰.....	کنایه‌های مشترک در دیوان حافظ و ادبیات عربی
۱۱۱.....	اشارات و تلویحات فرهنگ عرب در دیوان حافظ
۱۴۰.....	سلوک مشابه دهر در فرهنگ جاهلی و شعر حافظ
۱۴۲.....	بخشندگی سنتی با جلوه‌های زیبا در دوره جاهلی
۱۴۷.....	پارهای از تصویرهای عربی در شعر فارسی
۱۵۳.....	روح و پرنده در شعر حافظ و خیال جاهلی
۱۵۶.....	بازنمود خمریات در غزلیات حافظ
۱۵۶.....	غایت و پرچم می‌فروش در روزگار جاهلی
۱۶۵.....	شعر حافظ در پیوند با غزل عذری
۱۶۶.....	غزل، غزال و غزاله در شعر حافظ

عروسان شعر عرب در دیوان حافظ	۱۷۳
حجاز و عراق در نگاه حافظ	۱۷۸
تلاقی بخشی از موسیقی ایرانی و عربی در شعر حافظ	۱۸۲
دشنام گویی ایرانیان و عربها در مقام مدح و اعجاب	۱۸۸
جن، همزاد شاعران عرب	۱۹۰
سفینه شعر و غزل حافظ	۱۹۵
بندگی شعر در ادبیات عربی	۱۹۶
خوشبینی در نامگذاری مفاهیم ناخوشایند	۱۹۸
ساحت لطیف رخی از واژه‌های عربی در شعر حافظ	۲۰۱
ظرافت‌هایی در ساخت واژه‌های عربی دیوان حافظ	۲۱۳
واژه‌های اصل فارسی در دستگاه صرفی و آوایی زبان عربی	۲۲۸
اصطلاحات و ترکیبات عربی در دیوان حافظ	۲۴۱
«لسان القال» و «قیل و قال»	۲۴۵
چند الگوی نحو عربی در دستور زبان حافظ	۲۴۶
مطابقت صفت و موصوف از لحاظ صرفی	۲۵۳
مطابقت صفت و موصوف از لحاظ جملی	۲۵۵
ارزش ادبی سروده‌های عربی حافظ	۲۶۱
منابع	۲۸۳
نمایه	۲۹۵

مقدمه

«کاروانی شکر از مصر به شیراز آید»

سعدی

درهم‌تنیدگی دو فرهنگ ایرانی و عربی، گزاره‌ای کلی و بده بستان میان ادبیات فارسی و عربی از بدیهیات همسایگی است اما واکاوی چند و چون این بستانکاری‌ها و دخل و تصرف شخصیت و ذائقه ایرانی در آنچه از عربی گرفته به این طیف پژوهش‌ها، ظرافت می‌بخشد و پذیرش برخی ادعاهای کلی را دشوار می‌نماید که «انواع ادبی و مضامین مشترک از قبیل: شعر غنایی، رسایل و مقامات که از ادبیات عرب به ادبیات فارسی راه یافت، به اندازه‌ای متنوع و گسترده است که در پاره‌ای از انواع ادبی، جز هلهل محض و محو اصالت هنرمند، فرجامی نداشته است.» (غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۳۶)

این پژوهش، وظیفه دارد تاثیرپذیری شعر حافظ از عربی و امکانات زبانی و ادبی را که آن فرهنگ در اختیار حافظ قرار می‌دهد، به خوانش بکشد و عقلانیت او را در این زمینه و در آن زمانه توضیح دهد و بکوشد بخشی از اشارات و تلویحات فرهنگ عربی را در قالب واژه، ترکیب، تصویر، ملمع و غیره در دیوان شاعر، توصیف و تحلیل کند. به هر روی، عربی‌سرایی، عربی‌نویسی و حتی عربی‌مآبی در برهه‌هایی از تاریخ ما از ویژگی‌های

فرهنگ ایرانی به شمار می‌رود که امروز با دور شدن از آن روزگار و تغییر نگرش نسبت به فرهنگ عربی، پذیرفتن آن برای ایرانیان دشوار و نیازمند پژوهش و زودن غبار زمان است.

جلوه‌های گوناگون فرهنگ و ادب عربی در دیوان حافظ مانند سده‌های سوم و چهارم هجری قهرا به زد و بندهای سیاسی با بغداد و دمشق وابسته نیست بلکه مولود ذوق، نیاز و سستی است که در دل نظم و نثر این مملکت، دست کم تا غزل حافظ جریان می‌یابد. هدف ما از جستجوی رگه‌های فرهنگ عربی در شعر حافظ، آب در آسیاب کشمکش‌های قومی ریختن و تایید برخی خودبرتربینی‌ها نیست. خواهیم کوشید نوع مواجهه هنرمندی ایرانی را با آن فرهنگ و ادبیات نشان دهیم؛ چه اصولاً در فرهنگ و هنر جایی برای سلطه و سیطره وجود ندارد. راست است که فرهنگ اصیل از رویارویی با سایر فرهنگ‌ها می‌سازد بلکه با تکیه بر شخصیت مستقل و با آگاهی از توانایی‌ها و خلاهای خود با سایر ملت‌ها در می‌آمیزد، گزینش می‌کند و سرانجام غنا و قوام می‌یابد.

اگر در آینه شعر حافظ می‌توان صد گونه تماشا کرد، اجازه می‌خواهیم از این منظر نیز به شعر حافظ نگاهی بیاندازیم: امر که نقش خویشتن‌بیند در آب. شاید بتوان با تکیه بر برخی از مفاهیم و مؤلفه‌های فرهنگ عربی گاه پس‌زمینه‌ای مناسب برای دریافتی جدید در پاره‌ای از اشعار حافظ هم باز کرد. فصلی پردامنه درباره روابط تنگاتنگ دو ادبیات فارسی و عربی نوشته بودیم اما در ادامه با بی‌رحمی، آن را حذف کردیم؛ چه گوش مخاطب از تعاملات دو فرهنگ مزبور، پر است؛ بنابراین کوشیدیم از همان عنوان نخست به موضوع اصلی پردازیم و به طور مصداقی نشان دهیم که نمود و نمایش زبان و ادبیات عربی در دیوان حافظ به چه شکل و سیاقی بوده است. رشد و نمو حافظ در مدارس و مساجد و خانقاهای ایران و سفر نکردن — همچون سعدی — به کشورهای عربی و تأثیر مستقیم نپذیرفتن حافظ از

فرهنگ عرب از دلایل انتخاب او برای این پژوهش است؛ از اینرو عربی حافظ از سنت‌های ادبی و محیط فرهنگی ایران آب می‌خورد و عربی‌سرایی ایران را به نوعی منعکس می‌کند. از سوی دیگر، حافظ، نماینده شایسته‌ای برای فرهنگ ایرانی است. بسیاری از مفاهیم ادبیات فارسی در بوته ذوق او جوش می‌خورد، پالوده شده و منشوروار، خوشایند سلیقه‌های گوناگون واقع می‌شود. «دیوان حافظ، دیوان ادب پارسی است.» (زریاب‌خویی، ۱۳۷۴: ۵۱) و «زبده و حکیده فرهنگ درخشان ایرانی و حاصل تجارب زندگی یک ملت کهن سال‌هاست دیده و فراتر از زمان و مکان و جنگ هفتاد و دو ملت و تنگ‌نظریهای فرقه‌ایست» (ریاحی، ۱۳۶۸: ۷۸)

به گواهی حافظ‌پژوهان، نسخه‌های خطی هیچ شاعری در ایران به اندازه دیوان حافظ با یکدیگر اختلاف ندارد؛ چاپ‌های متعدد و در دسترس از دیوان حافظ نیز موجب سردرگمی کسانی است که با ریزه‌کاری‌های سبک و شخصیت حافظ و سنت شعر فارسی آشنایی چندانی ندارند و می‌خواهند از زاویه دید خاص به جستجو در شعر او بپردازند. نسخه اساس ما چاپ خانلری و به ویژه قزوینی - غنی بود. اما نکته و دقت و تکیه صرف نداشتن بر ذوق و قریحه در دو چاپ مذکور، بیشتر با طبیعت پژوهش‌هایی با رویکردهای تطبیقی، سازگار است.

مخاطب شعر حافظ حق دارد، هر گونه که می‌خواهد، غزل او برخورد کند و از آن لذت‌ها ببرد. اما ما برای پیشبرد این موضوع روا ندیدیم شعر او را هر گونه که خود می‌پسندیم، تفسیر و توجیه کنیم و زندگی و زمینه فرهنگی و ادبی شعر حافظ و آن برهه از تاریخ ایران را در نظر نیاوریم. بنا بر این رویکرد باید به دنبال سند و اصالت فکری و هنری حافظ در ادبیات فارسی و گاه عربی نیز بود.

بسیاری از جوانب این موضوع به صورت جسته و گریخته در پرتو تحقیقات استادان بزرگ مانند علامه قزوینی، غنی، همایی، معین، زرین‌کوب،

ریاحی، زریاب‌خویی، شفیع‌ی‌کدکنی، خرماهی و غیره نور گرفته است؛ از اینرو تلاش گردید این ملاحظات نیز گردآوری گردد.

رابطه ایرانیان با شعر حافظ و تداوم آن طی سده‌ها به شدت با احساسات و عواطف آنان، گره خورده است؛ از اینرو صحبت از فرهنگ دیگری در میانه دیوان حافظ بر ایشان البته ناگوار است، خاصه آن که در اثنای کار با خیره-سری بر عربی او هم گاه خرده گرفته شود. خواجه بی‌نیاز از تعریف و تمجید است اما محبت و بغض ما به ویژه در ساحت فرهنگ و ادبیات نباید کسی را کور و کر کند. برآستی دلهره‌آور است که کسی را در فرهنگی از حقیقت هم دوست‌تر نداریم!

حافظ از قله‌شینان ادب فارسی و شعر او سپهر استادان کارآزموده و تواناست و من نیز تنها از سر علاقه چون گیاهی هرزه که در باغ و گلگشت حافظ در پی زنده ماندن نمی‌بودم. چهار شعر او شدم؛ از اینرو نمایش جلوه-ها و رگه‌های فرهنگ عربی در منظومه فکری و هنری او برای من طاقت فرسا و کاهنده و به تعبیر استاد یوسف ملک جستجوی شهد شیرین گلی در عسل بود:

چو رای عشق زدی با تو گفتم ای بلبل

مکن که آن گل خودرو برای پیشتن است

در پایان، وظیفه خود می‌دانم به رسم حق‌شناسی از دلگرمی‌ها و مساعدت‌های دکتر حبیب‌الله عباسی در چاپ این مختصر تشکر کنم؛ عنوان «زبان و ادبیات عربی، متن پنهان غزلیات حافظ» یادگار ایشان بر پیشانی این کار است. همچنین از سرکار خانم زینب نورپور جویباری که زحمت صفحه‌آرایی کتاب را بر عهده داشتند، قدردانی می‌نمایم.